

متن سخنان مارتین ایندیک در انجمن آسیای آمریکا، ۱۶ اکتبر ۱۹۹۹، نیویورک

«مارتین اس. ایندیک» معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور آسیای نزدیک روز پنجشنبه در انجمن آسیا و در جمع گروهی از کارشناسان امور ایران در آمریکا سخنرانی کرد. اظهارات این مقام آمریکایی که با عنوان «ایران و آمریکا- دورنمای رابطه جدید» بیان شد، در رسانه های خارجی با بازتاب همراه بود.

متن سخنان مارتین ایندیک در گزارش زیر از نظرتان می گذرد.

مارتین ایندیک:

برای من حضور در مجمعی که انجمن آسیا بانی آن بوده و اقعاً جای مسرت و افتخار دارد. از زمانی که استیو سولارز نماینده کنگره امور آسیای جنوبی را از دفتر خاور نزدیک منفک ساخت ما فرصت نداشتیم چندان با چنین بنیاد اندیشه مورد احترامی کار کنیم که عملکردی عالی در ارتقای روابط آمریکا آسیا را داشته است. در واقع تنها تداخل ما ایران است که دفتر خاور نزدیک مسئول آن است. از این رو ما از این که مادلین آلبرایت وزیر خارجه توانست سال گذشته نطق تاریخی خود را در مورد سیاست ایران در انجمن آسیا ایراد کند خوشحال شدیم. خوشحالم از این که بخت آن را یافته ام امروز به پیروی از آن سنت در مورد دورنمای رابطه جدید میان ایران و آمریکا سخنرانی کنم.

وقتی که در امتداد منطقه ای که من مسئول آن در وزارت خارجه هستم، نظر می افکنید منطقه ای که از طریق خاورمیانه و در امتداد خلیج فارس از مغرب تا ایران را در بر می گیرد، با تغییرات مستمر برخورد می کنید.

اسرائیلی ها و فلسطینی ها در اجرای تعهدات موقت خود و نیز مذاکره درباره توافقنامه در مورد مسائل مربوط به وضعیت نهایی با هدف پایان دادن به مناقشه موجود بین خود سریعاً پیش می روند. ما در حال همکاری با اسرائیل و سوریه هستیم تا شالوده نه تنها از سرگیری مذاکرات بلکه به نتیجه رسیدن سریع آن را بریزیم. ظرف یک سال آینده فرصتی کاملاً واقعی برای حل این مناقشه به نحو جامع و یکباره و برای همیشه وجود خواهد داشت. در جاهای دیگر، در الجزایر، مصر، ترکیه و اردن، افرات گری در حال پسگرد است. میانه روی و عمل گرایی شروع به پیشرفت کرده است و همانگونه که در اردن، مغرب و بحرین دیده ایم، نسل جدیدی از رهبران در منطقه به سن نمود رسیده اند رهبرانی که با خود دیدگاهی جدید و انرژی جدیدی برای هزاره نو می آورند. ایران نیز درگیر فرآیند دگرگونی شده است. در سالهای اخیر ملت ایران با رویکرد به تاریخچه تسامح و دادگستر بالنده و شکوهمند خود تمایل شدیدی برای مشارکت وسیع تر در اداره امور خود، آزادی از دست دخالت های بی مورد دولت در امور خصوصی آنها و ایجاد فضای بازتر و تماس با دنیای خارج نشان داده است. رهبران ایران گامهایی برای پرداختن به این علایق برداشته اند. انتخابات ریاست جمهوری و محلی منصفانه ای برگزار کرده، اجازه بحث عمومی بیشتر را داده، تأکید بیشتری بر حکومت قانون کرده و در برخی زمینه های مهم در حال چرخش از یک سیاست خارجی مبتنی بر رویارویی به سیاست مذاکره و همکاری است.

وزیر خارجه، آلبرایت در سخنرانی سال گذشته خود در انجمن آسیا، این تغییرات را تأیید کرد. نکته اصلی که وی در آن زمان به نشانه تمایل برای تغییر در سیاست ما در قبال ایران به آن پرداخت این بود که ما آماده ایم با جمهوری اسلامی نقشه مسیری را توسعه بخشیم که در آن دوطرف گامهای موازی برای برخورد با مسائل مورد علاقه یکدیگر برداشته به نحوی

که ما به همراه هم بتوانیم شالوده ایجاد و حفظ یک رابطه عادی را بریزیم. از آن هنگام، رئیس جمهور کلینتون تعهد شخصی خود را نسبت به این رویکرد و نیز تمایلش را برای اذعان اختلافات گذشته و غلبه بر اختلافات جاری تصریح کرده است. متأسفانه پاسخ ایران به این حرکت عمدتاً کوتاه نظرانه و نابخردانه بود و تأکید بر آن داشت که آمریکا نخست باید به عنوان نوعی پیش شرط برای مذاکرات رسمی گامهایی یک جانبه ای بردارد.

با توجه به بی میلی فعلی ایران برای انجام مذاکرات دوجانبه، ما راههای دیگری را در پیش گرفته ایم که می تواند به دامنه برخورد ما با ایران وسعت ببخشد. ما با ایران در مورد تنظیم برنامه های چندجانبه مربوط به مسائل مشترک مورد علاقه نظیر مقابله با گسترش مواد مخدر و اوضاع افغانستان همکاری سازنده ای داشتیم. اقدام سال گذشته ایران در از بین بردن محصول خشخاش به معنای این بود که ایران دیگر در معیاری که این کشور را در فهرست ما در مورد تولید کنندگان عمده مواد مخدر قرار می داد، نمی گنجید. براساس آن ما اسم ایران را از فهرست حذف کردیم و ما از طرحهای برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل برای افزایش همکاری با ایران و افزایش فعالیت در این کشور حمایت کامل می کنیم. در این یک مورد اقدامات مثبت ایران با پاسخ مثبت آمریکا مواجه شده است. ما همچنین به همکاری با ایران در اجلاس شش به اضافه دو در مورد افغانستان جایی که ایران نقش سازنده ای برای یافتن یک راه حل مسالمت آمیز برای مناقشه داخلی در آن کشور جنگ زده ایفا کرده است ادامه می دهیم.

ما همچنین از برقراری تماسهای بیشتر بین دو ملت (ایران و آمریکا) حمایت کردیم چرا که به عقیده ما چنین تبادلاتی می تواند موجب افزایش درک و احترام متقابل شود و به غلبه بر چندین دهه بی اعتمادی کمک کند. ما سیاستهای خود را در مورد صدور روایت تسهیل کردیم و از تبادلات ورزشی و دانشگاهی حمایت نمودیم. ما در اینجا در آمریکا میزبان تیم های کشتی، سردبیران روزنامه، کارگردانان فیلم و موسیقیدانان و شمار زیادی از اندیشمندان ایرانی هستیم.

همزمان ما از این بابت که ایران درهای خود را بر روی شمار فزاینده ای از بازدیدکنندگان آمریکایی، تیمهای کشتی، اندیشمندان، دانشجویان فارغ التحصیل و مقامات موزه گشوده است، خرسندیم. ما از توجه به بیانیه علنی صریح دیروز یک مقام بلندپایه ایرانی در مورد لزوم تضمین امنیت جهانگردان در ایران از جمله آمریکاییان خوشحال شدیم. ما همچنین به طور منظم به نمایندگان دولت ایران اجازه دادیم برای شرکت در تبادلات «مردم با مردم» به نقاط مختلف آمریکا مسافرت کنند. ما فکر می کنیم که اکنون زمان آن فرارسیده تا ایران به مقامات آمریکا اجازه دهد از همین امتیاز در کشور آنها برخوردار شوند. مضافاً و در چارچوب بازنگری و وسیع سیاست تحریمهای آمریکا، رئیس جمهوری کلینتون ماه آوریل تصمیم خود را برای مستثنی ساختن فروش مواد غذایی، دارویی و تجهیزات پزشکی از نظام تحریمهای آتی و فعلی در جایی که ما اختیار انجام آن را داریم اعلام کرد.

وزارت خزانه داری در ماه اوت مقرراتی را در مورد اجرای این تغییر سیاست انتشار داد. این تصمیم فروش برخی اقلام آمریکایی به ایران به ویژه فروش عمده گندم از منشا آمریکا را امکان پذیر ساخت.

این تغییر سیاست با تلاش ما برای اعمال تحریمهای اقتصادی علیه دولت ایران تضاد ندارد. هرگونه منفعت نصیب ملت ایران و البته کشاورزان و تولیدکنندگان آمریکایی خواهد شد. یادآوری این نکته حائز اهمیت است که سیاست تحریم آمریکا خواستار اعمال نفوذ بر رفتار رژیم ها نه محروم ساختن مردم آنها از نیازهای بشر دوستانه اساسی است. فروش مواد غذایی و دارویی و دیگر نیازهای انسانی بنیه سلاحهای کشتار جمعی یک کشور یا توانایی آن برای حمایت از تروریسم بین المللی را افزایش نمی دهد.

جدا از تنظیم برنامه اخیر، سیاست تحریمهای ما در برابر ایران به قوت خود باقی است. دلایلی که پشت سیاست اعمال فشار اقتصادی قرار دارد امروز همان است که نخستین بار این سیاست درخواست شده است. تحریمهای آمریکا پاسخی به اعمال دولت ایران هستند که عرف بین المللی را نقض کرده و منافع ما و متحدانمان را تهدید می کند. مقصود از این

تحریم‌ها، محروم ساختن ایران از منابع مورد نیاز برای تعقیب این نوع فعالیت‌ها و نشان دادن این موضوع به رهبران ایران است که تعقیب چنین سیاست‌هایی به این بها تمام می‌شود، این که آنها نمی‌توانند منافع غرب را تهدید کنند و در عین حال از مزایای روابط عادی با غرب سود ببرند. در این زمینه ما همچنان مخالف سرمایه‌گذاری در بخش توسعه انرژی ایران، قسط‌بندی مجدد بدهی‌ها به طور دوجانبه، نحوه عملکرد باشگاه پاریس در مورد بدهی‌های ایران و نیز تمدید شرایط مطلوب اعتباری از سوی وام‌دهندگان اصلی خارجی ایران هستیم. ما همچنین به مخالفت خود با اعطای وام به ایران از سوی موسسات مالی بین‌المللی ادامه خواهیم داد. ولی ما تصریح کرده ایم که آماده تغییر این سیاست‌ها به محض تغییر رفتار ایران در زمینه‌های مورد علاقه ما هستیم.

متأسفانه برخی از اعمال قابل اعتراض دولت ایران ادامه یافته است هر چند که تحت دولت فعلی به همان شدت قبلی در تمام زمینه‌ها نبوده است. ایران در فهرست سال جاری وزارت خارجه آمریکا در مورد کشورهای حامی تروریسم باقی مانده است. در حالی که ایران ظاهراً در سال ۱۹۹۸ در موارد کمتری از قتل ناراضیان در خارج دست داشته ولی ایران همچنان از گروه‌های گوناگونی حمایت می‌کند که برای تعقیب اهداف خود از تروریسم استفاده می‌کنند.

در همین حال ایران قربانی تروریسم نیز هست. در سال ۱۹۹۸ چند عضو بلندپایه دولت ایران مورد حمله قرار گرفته و حداقل دو تن از آنها در حملاتی که گروه تروریستی مجاهدین خلق مسئولیت آن را به عهده گرفت کشته شدند. همان گروه در یک مورد تازه‌تر مسئولیت قتل معاون رئیس ستاد ارتش را به عهده گرفت. ما این اقدامات را همچون تمام اقدامات تروریستی محکوم می‌کنیم.

در این زمینه ما همین هفته گذشته مجدداً مجاهدین خلق را یک سازمان تروریستی خارجی شناختیم و برای نخستین بار از شورای مقاومت ملی به عنوان نام مستعار مجاهدین خلق یاد کردیم. این نوع شناخت در غیرقانونی ساختن حمایت مالی از این سازمانها تاثیر

دارد. این امر همچنین توانایی مجاهدین خلق برای جلب حمایت در این کشور را باز هم کاهش خواهد داد.

مقامات ارشد ایران علناً تروریسم را تقبیح و کشتار بیگناهان از جمله اسرائیلی‌ها را محکوم کرده‌اند. دولت ایران همچنین اظهار داشته است که صلح مورد قبول فلسطینی‌ها را خواهد پذیرفت. ما تصور می‌کنیم که این بیانیه‌ها از روی صداقت باشد و از این رو این انتظار ما نیز که اقدامات و سیاست‌های جمهوری اسلامی باید بازتاب بیانیه‌ها باشد، منطقی است.

متأسفانه تاکنون چنین نبوده است. ایران منتقد شدید توافقنامه وای‌ریور بود و مجدداً از توافقنامه اخیر شرم‌الشیخ انتقاد کرد. گروه حزب‌الله وابسته به ایران در لبنان رئیس‌عرفات را به خاطر گناهی که تصور شده به خاطر صلح با اسرائیل کرده است مورد تهدید جانی قرار داد. رئیس‌جمهور خاتمی خود با گروه‌های ردکننده صلح هنگام دیدار از سوریه در ماه مه ملاقات کرد و ظاهراً قول حمایت بیشتر از آنها را داد. و این تشویق ایران در حالی صورت می‌گیرد که سوریه از اکثر این گروه‌ها خواسته است فعالیت نظامی خود را «متوقف» ساخته و لیبی نیز ظاهراً در حال بیرون راندن اعضای عمل‌کننده گروه ابونضال از خاک خود و منع ورود دیگر عناصر تروریستی به خاک لیبی است.

این موضوع کوچکی نیست. در برهه‌ای که بقیه جهان عرب در جستجوی آینده صلح و مصالحه با اسرائیل هستند چه ربطی به ایران دارد تا مشوق فعالیت ترویستی حزب‌الله، حماس، جهاد اسلامی فلسطین و جبهه خلق برای آزادی فلسطین به قصد برپادادن امید یکسان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها برای دستیابی به یک صلح جامع باشد؟ چرا ایران هم‌زمان با معتدل ساختن سیاست خود در قبال اکثر همسایگان عربش در امتداد خلیج فارس به مشکل اردن دامن می‌زند و کمک مالی و مامن در اختیار افراطیون مصری قرار می‌دهد؟ آیا این بدان دلیل است که مصر و اردن نقش پیشتازی در فرآیند صلح دارند.

ما برای ایران روشن ساخته‌ایم که لغو تحریم‌هایی که اعمال کرده‌ایم یا بهبود روابط تا

زمانی که ایران گام‌هایی معنی دار برای پایان بخشیدن به حمایتش از تروریسم و همکاری در زمینه جنگ علیه تروریسم بر ندارد، امکان ناپذیر خواهد بود.

در مورد حمله به نیروهای آمریکایی در خبر، عربستان سعودی تحقیقات ما جریان دارد. این هفته ما هانی الصایغ را به عربستان سعودی نقل مکان دادیم جایی که ما انتظار داریم برای دخالت در بمب گذاری خبر تحت محاکمه قرار گیرد.

ما در حال تحقیق در مورد اطلاعات مربوط به دخالت شهروندان سعودی، مقامات دولت ایران و دیگران هستیم. ما در این مورد که آیا حمله مسقیماً توسط دولت ایران انجام شده است یا نه به نتیجه نرسیدیم.

ایران هرگونه دخالت خود را در بمب گذاری تکذیب کرده است. همکاری ایران در این زمینه علامت مهمی در مورد تغییر سیاست ایران در تهدید منافع ما و دوستان و متحدان ما در خاورمیانه خواهد بود.

ما همچنین نگران تداوم حرکت ایران به سمت توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های بالستیک مورد نیاز برای حمل آنها هستیم. تلاش‌های مخفیانه‌ای برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی به رغم امضای کنوانسیون‌های بین‌المللی عدم تکثیر مربوطه از سوی ایران ادامه دارد. در این زمینه به ویژه ما نگران حرکت هسته‌ای ایران هستیم.

ایران همچنین یک موشک بالستیک شهاب-۳ را که قادر به حمل کلاهک تا مسافت ۸۰۰ مایل است مورد آزمایش قرار داده و به تولید موشکی با برد حتی بیشتر نزدیک شده است. این تحولات تهدیدهای بالقوه مهمی علیه دوستان ما در منطقه و حضور ما در آنجا محسوب می‌شود.

بدیهی است که نگرانی ما در مورد سلاح‌های کشتار جمعی و توسعه موشکی ایران باید در یک چارچوب منطقه‌ای که در آن کشورهای منطقه از جمله ایران نیاز به احساس امنیت دارند، مورد بررسی قرار گیرد. ما همچنین از خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی

حمایت می‌کنیم. ولی نوع تکثیری که ما امروزه در منطقه می‌بینیم چه در ایران، هند یا پاکستان دقیقا به سمت نادرستی هدایت می‌شود.

تکثیر در بخش شرقی خلیج فارس از جمله مسائل دیگر است و باعث افزایش نگرانی در بخش دیگر خلیج فارس شده و می‌تواند محرک دیگر کشورها برای یافتن سیستم‌های تسلیحاتی مورد نظر خود باشد. از این رو حرکت ایران برای آنچه که ممکن است با هدف قدرت بازدارندگی صورت گیرد از قدرت بالقوه‌ای برای بی‌ثباتی شدید منطقه خاورمیانه برخوردار است.

تلاش‌های ایران برای توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های بالستیک در کنار دیگر سیاست‌های جاری مورد نظر، دلیل مخالفت ما با سرمایه‌گذاری در بخش نفت ایران، مشارکت ایران در توسعه و حمل منابع خزر (از جمله خطوط لوله در امتداد ایران)، اعطای وام چند جانبه به ایران و پیوستن کامل ایران به مجامع اقتصادی بین‌المللی است. تغییر در موضع آمریکا در مورد این مسائل محتاج آن است که ایران اعمال خود را همسو با عرف بین‌المللی انجام دهد.

سرانجام این که ما همچنان با علاقه فراوان تحولات داخلی ایران را زیر نظر خواهیم داشت. همانگونه که اغلب گفته‌ایم ما به حاکمیت و حق ملت ایران برای انتخاب نظام دولت خود هرگونه که صلاح می‌دانند احترام می‌گذاریم. ما هیچ‌گونه نفعی در آن نمی‌بینیم و هیچ‌گونه سیاست مداخله در امور داخلی ایران نداریم. با این حال ما از ابراز حمایت خود از ارزشهایی که به گمان ما جهانی است دوری نخواهیم جست. حقوق بشر، حکومت قانون و مردم سالاری.

در این زمینه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۷ و انتخابات اخیر انجمن شهر برای گشایش و سطح مشارکت مردم ایران چشمگیر بود.

ایران در فوریه سال آینده انتخابات مهم دیگری در پیش دارد هنگامی که مردم بار دیگر از حق قانون اساسی خود برای انتخاب نمایندگان مجلس استفاده می‌کنند. بیانات رهبری

منتخب ایران در حمایت از حقوق بشر و حکومت قانون سزاوار تایید و حمایت است. علاوه بر این مطبوعات قوی همچنان به طور ستایش آمیز خود را در برابر تلاشهایی که برای سانسور صورت می گیرد مورد تاکید قرار داده است. اینها تحولات مهمی هستند که حکایت از دگرگونی واقعی دارند.

همزمان ما نگران فاصله ای هستیم که بین حرف و عمل باقی مانده است. یک قاضی دادگاه انقلاب اخیراً اعلام کرد که چهار تن از دانشجویان تظاهرکننده که در ماه ژوئیه دستگیر شده اند تحت محاکمه قرار گرفته و محکوم به مرگ شده اند. بسیاری دیگر در بازداشت به سر می برند. ما همچنین شاهد ادامه بازداشت بدون اتهام رسمی ۱۳ تن از اعضای جامعه یهودیان شیراز و اصفهان به خاطر اتهامات بی اساس جاسوسی هستیم. گزارش اخیر چاپ شده ما در مورد آزادی در ایران جزئیات بد رفتاری مداوم دولت ایران با اقلیت مذهبی بهایی را بر شمرده است. سرکوب سیستماتیک بهائیان از جمله محرومیت آنها از حق عبادت، انتخاب مقاماتی در داخل سلسله مراتب مذهبی خود و آموزش جوانان خود و همچنین دستگیری و بازداشت و شکنجه عمد و بدون محاکمه پیروان بهایی منجر به آن شده تا وزیر خارجه، ایران را کشوری بشناسد که در مورد آزادی مذهبی در آن طبق قانون بین المللی آزادی مذهبی نگرانی ویژه ای وجود دارد.

در مجموع، ما تغییری واقعی به سمت بهتر شدن در ایران دیده ایم ولی تصور ارائه شده در هم است و هنوز نتیجه نامطمئنی دارد.

ما همچنان عقیده داریم کشورهایی که به ارزشهای مردم سالاری، مدارا و حکومت قانون در داخل احترام می گذارند در سیاست خارجی خود عرف رفتار قابل قبول بین المللی را محترم شمرده و از آن متابعت می کنند. این اصل است که رویکرد ما را نسبت به ایران و همچنین دیگر نقاط جهان مورد تاکید قرار می دهد.

آمریکا علاقه به برقراری روابط بهتر با جمهوری اسلامی ایران دارد. ولی برای این که چنین چیزی اتفاق بیفتند ما باید با هم راهی برای پرداختن به نگرانیها و علایق یکدیگر بیابیم.

ما به سهم خود خواهان تشویق ایران به تغییر سیاست‌های خود در مورد تروریسم، مخالفت با فرایند صلح و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی هستیم. آنها نیز به سهم خود از ما می‌خواهند سیاست‌های خود را در مورد تحریم‌ها تغییر دهیم. ما عقیده داریم که بهترین راه دستیابی به این تغییرات از طریق یک فرایند موازی است که می‌تواند تنها از طریق یک مذاکره موثق دولت با دولت بدون تعیین پیش شرط توسعه یابد. ما باید از مرحله ایما و اشاره و سنبله‌ها فتر رویم. البته زمان آن فرارسیده که آمریکا و جمهوری اسلامی ایران به عنوان دو کشور بزرگ با یکدیگر به طور رو در رو و بر اساس برابری و احترام متقابل نزدیک شوند. چنانچه دولت ایران آماده چنین برخورد نزدیکی باشد ما نیز آماده خواهیم بود.

